

از انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور

شماره

۲۲

دوره سوم

خرداد ۱۳۳۸

## ارکستر در موسیقی ایرانی

از هرمز فرهنگت

«... جورترین موسیقی دانان آنها با سنت‌های ملی خود عهد مودت می‌کنند، محافظانه از لذات و خوشی‌هایی که موسیقی‌شان برای آنها فراهم می‌آورد چشم می‌پوشند و هم خود را وقف ایجاب ارکستر می‌نمایند زیرا بدانها گفته اند که موسیقی هر ملت بتمدنی ارکسترهای بزرگ و متعددی ایجاب میکند.»

یکی از مطالبی که بین نویسنده این سطور و اکثر موسیقی دانان مکتب ایران پیوسته موجب اختلاف نظر بوده موضوع نقش ارکستر در

۱- نقل از «مسأله حفظ سنت‌های هنری» ترجمه سخنرانی آلن دانیلو. مجله موسیقی شماره ۲۹. بهمن ۱۳۳۷.

۲- در این نوشته کلمه ارکستر را بمفهومی که امروز در ایران دارد بکار می‌بریم. ارکسترهای متداول ایرانی دارای عده‌ای نوازنده هستند که معمولاً از پنج بیلاست و گاهی تا حدود سی نفر میرسد. هم‌چنین طبیعی است که بحث ما شامل حال ارکسترهایی که بسبب غربی تشکیل گردیده‌اند مانند ارکستر سنفونیک تهران نمی‌گردد.

موسیقی ایرانی است. با آنکه بسیاری از این موسیقی دانان از کیفیت کنونی ارکسترهای ایرانی ناراضی هستند، عموماً لزوم و ارزش ارکستر را برای اجرای آهنگ‌هایی که بسبب موسیقی کلاسیک ایرانی میباشند مورد تردید قرار نمی‌دهند. وقتی از ایشان می‌پرسیم: اجرای یک آهنگ یکصدایی (مونوفونیک Monophonique) که میتواند سرتاسر بتوسط یک ساز تنها اجرا شود بتوسط چندین ساز چه معنایی دارد ایشان پاسخ‌هایی میدهند که میخواهیم در اینجا آورده مورد بحث قرار دهیم تا شاید بروشن شدن چگونگی پیدایش و محل ارکستر در موسیقی ایران کمک شود.

بعضی از طرفداران ارکستر در ایران می‌گویند: ارکستر همیشه در ایران وجود داشته است. مگر نخوانده‌اید که هنگام دستگیر شدن خاندان داریوش سوم بتوسط سپاه اسکندر مقدونی در آسیای صغیر ۳۲۹ رامشگر رقص و بازیگر اسیر شدند؟ مگر کتیبه‌های بیستون را ندیده‌اید که پادشاهان ساسانی را هنگام شکار به‌مراهی ارکستر چنگ و نی نشان میدهد؟ مگر مینیاتورهای دوران صفوی را نمی‌شناسید که ارکستر رامشگران را در دربار پادشاه می‌نمایانند؟ و غیره...

عده‌ای دیگر بدلائل تاریخی متوسل نمی‌شوند ولی می‌گویند: ارکستر ایرانی از لحاظ رنگ آمیزی اصوات مختلف با آهنگ جلوه بیشتری میدهد. یا اینکه می‌گویند: بنظر من اگر آهنگی با ارکستر اجرا شود قشنگ‌تر از اینست که سلوزده شود. و حتی بعضی می‌گویند چطور اروپاییها اورکسترهای باین بزرگی دارند، چه چیز مان از آنها کمتر است! و این بهمان بیچارگیهای موسیقی‌دان شرقی اشاره میکنند که «دانیلو» در سخنرانی بجا و فاضلان خود مفصلاً تشریح نموده است.<sup>۱</sup>

حالا اجازه دهید در اطراف این پاسخ‌ها گفتگو کنیم:

برای اینکه بتوانیم علت وجود عده زیادی رامشگر در دربار پادشاهان قدیم ایران را درک کنیم بایستی متوجه باشیم که در گذشته یگانه محل استخدام نه تنها موسیقی‌دان بلکه شاعر، نویسنده و نقاش دربار پادشاهان یا حکام

۱- رجوع شود بمقاله مورد بحث. در واقع خواندن این نوشته را شاید پنج یا شش بار برای هر کسی که با موسیقی ایرانی سروکار دارد بایستی واجب دانست.

و یا اشراف بود. سازمان وسیع دربار سلاطین که بیشتر هم خود را مصروف فراهم نمودن وسائل رنایه و خوشی شخص شاه مینمود عده زیادی هنرمند در حرفه‌های مختلف در استخدام خود داشت و وجود عده زیادی موسیقی‌دان در دربار پادشاهان قدیم ابداً حکایت از اینکه این عده تشکیل ارکستری میدادند نمی‌کند.

وقتی به کیفیت و تاریخ تحول موسیقی در بین تمام ملل دنیا توجه کنیم می‌بینیم که صرف نظر از موسیقی پولیفونیک (Polyphonic) غربی و چگونگی پیدایش ارکستر در اروپا که بعداً اشاره خواهیم نمود، در دو مورد گروه - نوازی بطور طبیعی پدیدار گردیده است و این دو بایکدیگر مرتبط هستند:

۱ - موسیقی «روباز»<sup>۱</sup> انواع آهنگبایست که در هوای آزاد و بطور کلی در مکانی بدون سقف اجرا میشود. چون در یک مکان وسیع و روباز صدای یک یا دو ساز بدون وسائل الکترونیکی امروز شنیده نمیشد ملل مختلف برای چنین مواقعی یک نوع موسیقی «روباز» ایجاد نموده‌اند که اگر هم مونوفونیک باشد بتوسط سازهای مختلف و متعدد اجرا می‌شود. این نوع موسیقی بیشتر جنبه تشریفاتی دارد مانند موسیقی رژه، جنگ، مسابقات ورزشی، شکار و غیره. وقتی زنون از موسیقی رزمی لشکر سیروس یاد می‌کند منظور او همین نوع موسیقی «روباز» است. هم‌چنین نقوش دوره ساسانی موسیقی هنگام شکار را نشان می‌دهد. البته در چنین مواردی صدای یک چنگ تنها یا یک نی کفایت نمیکرده است و گویا اینکه موسیقی‌شان مونوفونیک بوده است از سازهای متعدد استفاده میکردند تا صدای آنها بخوبی شنیده شود.

۲ - موسیقی رقص. بعضی ملل رقصهای ملی خود را با ارکستر همراهی میکنند. این رویه در بین مللی پدیدار شده است که غالباً شهر نشین نیستند. مثلاً اقوام مختلف سیاه‌پوست افریقا اغلب در هوای آزاد و در خارج از اطاق یا خانه زندگی میکنند و لازمه موسیقی‌شان سرو صدای زیاد است. اهالی

۱ - اصطلاح «روباز» برای تجسم نوعی از موسیقی که در انگلیسی

(Outdoor music) گفته میشود انتخاب شده است. متأسفانه در فارسی لغتی برای آن وجود ندارد و ترجمه دقیق آن از انگلیسی به فارسی هم نامتناسب بنظر می‌رسد.

جزایر جاوه و بالی موسیقی خیلی مشخص و از لحاظ ضرب ممتاز و غامضی دارند. ارکسترهای ایشان گاهی از پنجاه نوازنده یا بیشتر ترکیب می‌شود. آنها هم بعلاوه هوای گرم و مرطوب آن ناحیه اغلب در هوای آزاد زندگی می‌کنند و موسیقی شان گویانکه جنبه تشریفاتی نداشته باشد بایستی ایجاد صدای زیاد کند تا شنیده شود و از اینرو از ارکستر استفاده می‌کنند.

بعلاوه باید توجه نمود که موسیقی رقص بایستی معمولاً دارای ضرب مشخص و قوی باشد. از اینرو اگر هم در مکانی «سربسته» اجرا شود باز هم چندین ساز مورد احتیاج خواهد بود. مینیاتورهای ایران اگرچند نوازنده را یکجا نشان می‌دهد موسیقی رقص را تجسم نموده و اغلب رقص نیز در آن میان دیده می‌شود. عده نوازندگان در این مینیاتورها از سه یا چهار نفر تجاوز نمی‌کنند. یک یا دو نفر نوازنده سازهای ضربی هستند و سازهای نغمه نواز معمولاً محدود به یک چنگ، یک عود و گاهی یک تنبور می‌باشد. هم‌چنین بایستی در نظر داشت که هنر نمایی این رامشگران جنبه کنسرت نمیداشته و شاید با هم‌نغمه و گفتگوی حضار توأم بوده است. لهذا اگر قطعه‌ای برای رقص اجرا می‌شده برای اینکه پایه و میزان آن بدرستی بگوش رقص برسد صدای یک ساز کفایت نمیکرده است.

در دربار همین پادشاهان بدون شك هنگام اجرای قطعاتی که برای رقص نمی‌بوده و مانند موسیقی کلاسیک امروز ایران تا حدودی جنبه بداهه سرایی میداشته، یا یک ساز تنها بکار میرفته و یا ساز دیگری آنرا تقلید و همراهی می‌نموده است. همین بداهه سرایی که در موسیقی ایرانی از اصول امر است بخودی خود احتمال وجود ارکستر را مردود می‌سازد. ما میدانیم که تا نیم قرن پیش در موسیقی کلاسیک، قطعات ضربی خیلی کم وجود داشته و این دلیل دیگر است که گروه نوازی گذشته قدیمی و محلی در موسیقی ایران ندارد. از طرف دیگر موسیقی محلی ایرانی بطور کلی ضربی است. ولی نه تنها در ایران بلکه در کشورهای که موسیقی شان چند صدائست نیز آهنگ‌های محلی با ارکستر اجرا نمیشوند. مگر اینکه بطور تصنعی باشد. همانطور که اینگونه ارکسترها در جمهوریهای شوروی

بوجود آمده و در نتیجه سادگی و ظرافت طبیعی آهنگهای محلی آن نواحی را ضایع کرده است .

همانطور که قبلاً آورده شد بعضی در مقام دفاع از ارکسترهای امروزی صدای سازهای مختلف را موجب رنگ آمیزی صوتی و جلوه بیشتری برای آهنگ میدانند . این نظر از بی اطلاعی و بدسلیقگی حکایت می کند . میزان صدا و تنوع بایستی با بنیه و ظرفیت هنری آهنگ تطبیق کند . وقتی يك قطعه يك صدائی و ساده بسبك آهنگهای متداول امروز در ایران با اورکستر اجرا شود بچه های دوازده ساله ای را بخاطر می آورد که در دوره قاجار لقب سرتیپ می گرفتند و لباس زردوز بتن میکردند و شمشیر میآویختند ... حتی اگر يك «انوانسین» دو صدائی باخ که از لحاظ ارزش هنری هزار مرتبه بر قطعات بازاری ما امتیاز دارد با ارکستر سنفونیک اجرا شود نتیجه آن نامطلوب و مضحك خواهد بود .

در پاسخ کسانی که بدون تفهیم بموسیقی غربی می نگرند و میگویند چرا ما ارکستر نداشته باشیم در اینجا بچگونگی پیدایش ارکستر در اروپا اشاره ای می کنیم :

تاریخ موسیقی قبل از پیدایش پولیفنی در اروپا هیچ گونه اثری از ارکستر نشان نمیدهد . حتی در یونان قدیم برای همراهی آوازهای دسته جمعی که در تئاترها بکار میرفت فقط از يك آولوس (Aulos) که يك نوع سرنا بود استفاده میشد . پیدایش پولیفنی را نمیخواهیم در اینجا مورد بحث قرار دهیم ولی همینقدر یاد آور میشویم که پولیفنی در موسیقی آوازی کلیسایی بطور خیلی تدریجی و طبیعی بوجود آمد . و تئیکه موسیقی غیر مذهبی (Séculaire) استفاده از مزایای پولیفنی را آغاز نمود چند قرن از پیدایش این سبك گذشته بود و معیناً در تمام قرون وسطی و حتی تا اواخر رنه سانس ارکستر بمعنای واقعی بوجود نیامد .

در نیمه دوم قرن شانزدهم جیووانی گابریلی (Giovanni Gabrielli) برای اولین بار در آثار خود از يك ارکستر وسیع استفاده نمود . در عهد او لااقل هشت قرن از عمر موسیقی پولیفنیک گذشته بود و قواعد روش چند صدائی بطور مفصل و محکم حکمروائی میکرد . پیش از گابریلی قطعات پولیفنیک

سازی نوشته میشد ولی معمولاً بصورت موسیقی مجلسی اجرا میگردد. ولی این نوع کنسرت‌های کوچک نیز در آنها بعد از پیدایش پولیفنی پیداشد و بیشتر بمنظور تقویت آواز جمعی یا همراهی آوازهای چند نفری بکار برده میشد و بهر حال موسیقی چند صدائی اجرا مینمود. بعد از گابریلی مونتیه وردی (C. Monteverdi) و اولی (J. - B. Lully) در قرن هفدهم ارکستر را توسعه دادند و با هایدن (J. Haydn) در قرن هجدهم ارکستر سنفونیک امروزی پی‌ریزی گردید. بطور کلی پرواضح است که پیدایش ارکستر در اروپا مدتها بعد از ایجاد پولیفنی و بطور مستقیم در نتیجه ایجاد پولیفنی بوده است حالا چنانچه پولیفنی بوجود نیامده بود ارکستر نیز جز در مواردیکه در بالا آورده شد پدیدار نمی‌گردید.

از آنچه تا اینجا مورد بحث قرار گرفت باین نتیجه میرسیم که ارکسترهای مرسوم در موسیقی ایرانی امروز سابقه تاریخی ندارند. اکثر این ارکسترها پولیفنی اجرایی کنند و برای امور تشریفاتی یا بعنوان موسیقی «رو باز» بکار نمی‌روند و علاوه وسائل الکترونیکی برای تقویت صدا در اختیار دارند. پس منطقی خواهد بود اگر بگوئیم وجود این نوع ارکسترها بیهوده و تقلید بی‌اساسی از موسیقی غربیست. معیناً برای اینکه قضاوتمان ناقص نباشد و ضمناً از ارکسترهایی که تا حدودی با اصول پولیفنی موسیقی ایرانی اجرا میکنند نیز ذکر کرده باشیم ذیلاً به تاریخچه ارکستر در ایران که در واقع بیش از پنجاه سال عمر ندارد اشاره مختصری می‌کنیم:

اولین ارکستر ایرانی با اولین کنسرتی که بمفهوم غربی در ایران ترتیب داده شد پدیدار گردید. این امر کاملاً منطقی بود چون برای اجرای کنسرت در مقابل عده زیادی احتیاج بایجاد صدای بیشتری داشتند و با نبودن میکرفن و بلندگو چاره‌ای جز اجتماع چندین نوازنده نبود. چنین کنسرت‌هایی برای اولین بار در اواخر قرن گذشته (هجری شمسی) در انجمن اخوت بطور خصوصی برای اعضاء انجمن اجرا گردید. این اجتماعات در باغی صورت میگرفت و باز موضوع لزوم صدای زیادتر در محیط روبساز و بعلمت کثرت حضار مطرح بود. در دو سال اول قرن حاضر مرحوم غلامحسین درویش

چند کنسرت در سالن گراند هتل تهران ترتیب داد که در واقع اولین کنسرت  
بترتیب اروپائی بود و ارکستری به رهبری درویش در آن شرکت نمود.  
این اولین بار بود که در ایران عده‌ای آمدند مرتب نشستند و به برنامه موسیقی  
که قبلاً تهیه و تنظیم شده بود گوش دادند.<sup>۱</sup>

چند سال بعد با آغاز فعالیت آقای علی‌نقی وزیری در مدرسه موسیقی ملی  
که ایشان تشکیل دادند تحول جالبتری در زمینه ارکستر ایرانی پدیدار  
گردید. با تحصیلاتی که آقای وزیری در اروپا نموده بود بچگونگی موسیقی  
پولیفونیک آشنائی یافته و بر آن شد که موسیقی ایرانی را بتدریج از طریق  
چند صدائی نمودن توسعه دهد. اقدامات ایشان در راه چند صدائی نمودن  
موسیقی ایرانی با معرفی چند صدائی ساده و روشن شروع گردید. باید  
متذکر شد که در آن موقع «آرمونیزه کردن» دستگاههای ایرانی که این  
روزها خیلی بگوش میخورد و فسکر غلطی است در کار نبود بلکه ساختن  
قطعاتی که دارای آرمونی ساده‌ای هستند در مایه دستگاهها و بسا حفظ  
خصوصیات موسیقی ملی مورد نظر بود. از میان ساخته‌های آقای وزیری  
بخصوص قطعات برای تار (که خود در نواختن آن ساز ویرتوئوز فوق‌العاده‌ایست)  
خیلی جالب است. ایشان در مدرسه موسیقی خود ارکستری تشکیل دادند و  
بسیاری از قطعاتی که اجرا مینمودند از ساخته‌های ایشان و چند صدائی  
بود.<sup>۲</sup>

پس می‌بینیم که از چهل سال پیش دو نوع جنبش در راه ایجاد ارکستر  
در ایران پدیدار گردید: یکی از این دو جنبش از طرف موسیقی دانان مکتب  
قدیمی و بخاطر کنسرت دادن و اینکه صدای ساز شنیده شود صورت گرفت.  
آهنگهایی که اینان اجرا مینمودند بصورت پیش درآمد، رنگ و غیره و  
بطور مونوفونیک بود. جنبش دوم از جانب آقای علی‌نقی وزیری با شرکت  
عده زیادی از شاگردان مدرسه موسیقی انجام گرفت. هدف این جنبش آن  
بود که موسیقی ایرانی را در لباس چند صدائی معرفی گردد.

۱ - برای اطلاعات بیشتری در این مورد بکتاب سرگذشت موسیقی ایرانی جلد  
اول نکارش آقای روح‌الله خالقی مراجعه شود.

۲ - برای اطلاعات بیشتر بجلد دوم کتاب فوق رجوع شود.

و قتیکه کیفیت ارکسترهایی را که امروز در ایران دیده میشود و در زمینه موسیقی ایرانی فعالیت می کند مطالعه کنیم متوجه میشویم که اکنون هم همان دو نوع ارکستر سی و پنج سال پیش وجود دارد. با این اختلاف که در هر نوع عده بیشتری مشغول فعالیت هستند در حالی که پیدایش ارکسترهای نوع اول در زمان درویش خان با نبودن میکرفن و بلندگو قابل پذیرش بود حال آنکه امروز با داشتن همه گونه وسایل الکترونیکی وجود ارکسترهای مفصلی که فقط موسیقی یکصدائی اجرا میکنند بنظر غیر منطقی می رسد. متأسفانه این نوع «ارکسترها» خیلی متداول بوده و محبوبیت دارند و بعضی از آنها از اشخاصی که از لحاظ موسیقی معانومات بسیار مختصری دارند ترکیب گردیده است. آهنگهایی که این ارکسترها اجرا میکنند اکثر از لحاظ موسیقی ایرانی ضعیف و از نظر هنری بطور مطلق بچگانه و مضحک است.

فعالیت از طریق دوم بمنظور ایجاد ارکستر برای اجرای آهنگهای چندصدائی نیز ادامه یافته و طبعاً به نتایج مطلوب تری رسیده است، اگرچه که از لحاظ محبوبیت عمومی مانند گروه اول موفق نبوده است. اما ارزش هنری و محبوبیت عمومی دو موضوع جداگانه هستند و معمولاً با هم تطبیق نمی کنند. در سازمان موسیقی هنرهای زیبای کشور چند ارکستر نسبتاً بزرگ تشکیل گردیده و چند سالیست که مشغول فعالیت هستند. آهنگهایی که برای این ارکسترها نوشته میشوند معمولاً توسط موسیقی دانان مطلع و با ذوق تهیه میشود و در اینجا نقای قابل ستایشی برای ایجاد مکتب چند صدائی و جدیدی در موسیقی ملی جلب توجه میکند. البته این نوع موسیقی دانان نبایستی بخواهند موسیقی پولیفنیکی ایجاد کنند که جانشین سبک اصیل و موسیقی کلاسیک ملی گردد. این موسیقی چندصدائی ایرانی وقتی بدرستی پرورش یافت و بزرگ شد فرزندی برای موسیقی اصیل خواهد بود که با ترقیات علمی موسیقی بین المللی پیوند یافته است و میتواند نه در عوض بلکه در کنار نهال اصلی موسیقی ایرانی زندگی کند و در نتیجه ایجاد توسعه و ثروت بیشتری برای موسیقی ملی ایران گردد.

لازم است از تمایلی که در تشکیل ارکسترهای سازهای ملی اخیراً



پدیدار گردیده است نیز یاد شود. بنظر این نویسنده این گونه ارکسترها از لحاظ تشویق و رونق سازهای ملی بسیار مفید هستند. خاصه آنکه بعضی از سازهای ملی، تاحدی متروک گردیده اند و جای خود را بسازهای غربی که برای موسیقی ایرانی مناسب نیستند داده اند. بعلاوه چنانچه روی اصول چند صدائی با این ارکسترها تجربیاتی شود در قبال پیدایش يك سبك جدید موسیقی پولیفنیک ایرانی شاید به ایجاد يك نوع ارکستر جدید ایرانی برای اجرای این گونه قطعات نیز منتهی گردد<sup>۱</sup>

۶ اردیبهشت ۱۳۴۸ لوس آنجلس - کالیفرنیا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

۱- چنانکه خوانندگان خود در یافته اند، این مقاله به دو موضوعی که اخیراً از جانب مجله موسیقی مطرح و مورد بحث قرار گرفته ( یعنی موضوع ارکستر موسیقی ایرانی و مسأله حفظ سنت های ملی) مربوط می شود. مجله موسیقی با اظهار خوشوقتی از اینکه این دو بحث طرف توجه واقع شده و دامنه ای نسبتاً وسیع یافته است با اطلاع کسانی که در زمینه این دو بحث صاحب نظرند می رساند که نظرات موافق و مخالف آنها، بشرط آنکه خالی از حب و بغضی شخصی باشد، همچنان بچاپ خواهد رساند.

مجله موسیقی